



## درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۷ اسفند ۱۳۹۲

موضوع کلی: صحیح و اعم

موضوع جزئی: امر هفتم: تصویر جامع (مقام دوم: وجوه تصویر جامع - بررسی وجه اول)

مصادف با: ۶ جمادی الاولی ۱۴۳۵

جلسه: ۸۷

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث پیرامون وجه اول از وجوه تصویر جامع علی القول بالصحیح بود، مرحوم آخوند فرمود: جامع بین افراد صحیح از صلاة یک امر بسیط مقولی و ماهوی است که شناخت آن برای ما ممکن نیست مگر از طریق آثاری که بر آن بار می‌شود و این جامع با افراد خودش حقیقتاً و وجوداً متحد است، پس موضوع له و مسمای لفظ «صلاة» چنین امر بسیطی است. عرض کردیم این وجه از ناحیه اعظم از شاگردان محقق خراسانی مورد اشکال واقع شده که ما در جلسه گذشته به دو اشکال اشاره کردیم.

### اشکال سوم:

فرض یک جامع بسیطی که با افرادش وجوداً و خارجاً متحد است ممتنع و محال است و اصلاً چنین چیزی ممکن نیست که یک امر بسیط با افرادش اتحاد وجودی و خارجی داشته باشد؛ چون از آن اتحاد بسیط با مرکب لازم می‌آید و این محال است.

توضیح مطلب این است که: ما یک قانونی داریم که به حکم عقل اتحاد یک شیء بسیط با چیزی وجوداً ممتنع است چون بساطت به معنای عدم جزء داشتن است و اتحاد امر بسیط با امر مرکب وجوداً و خارجاً به معنای این است که آن شیء بسیط دارای اجزاء گردد و از بساطت خارج شود، پس اتحاد وجودی امر بسیط با امر مرکب با فرض بساطت شیء قابل جمع نیست و خلف و محال است.

محقق خراسانی فرمود: قدر مشترک مراتب و افراد صحیح از نماز، یک امر بسیط است که این امر بسیط وجوداً و خارجاً با افرادش متحد است، قطعاً افراد دارای اجزاء هستند، یعنی مرکب هستند، فرض هم این است که جامع یک امر بسیط است حال اگر جامع بخواهد با افرادش متحد باشد یعنی جامع که بسیط است اگر بخواهد با اموری که دارای اجزاء هستند متحد شود لازمه‌اش این است که آن امر بسیط از بساطت خارج شود، مثل اینکه یک قدر جامعی را بین مراتب مختلف نماز صحیح فرض کنیم که یک امر بسیط است، حال اگر همین امر بسیط که ما از راه آثار نماز مثل نهی از فحشاء و منکر به آن شناخت پیدا کرده‌ایم اگر خواسته باشد وجوداً و خارجاً با افرادش متحد شود، چون این افراد مرکب از اجزاء هستند لازمه‌اش این است که جامع که یک امر بسیط است با افرادی که مرکب هستند اتحاد پیدا کنند در نتیجه این بسیط از بساطت خود خارج و تبدیل به مرکب شده و این خلف است و باطل.

پس اشکال سوم به محقق خراسانی این است که اتحاد جامع که یک امر بسیط است با افرادش که مرکبند موجب می شود که این امر بسیط به مرکب تبدیل شود و این خلاف فرض و باطل است؛ چون یا باید از فرض خودمان که گفتیم جامع یک امر بسیط است دست برداریم که با فرض ما سازگار نیست و یا اجتماع متناقضین است که این هم امکان ندارد که یک چیز در عین حال که بسیط است مرکب هم باشد.<sup>۱</sup>

به نظر ما این اشکال هم که از طرف محقق اصفهانی ایراد شده بر وجه اول وارد است.

#### اشکال چهارم:

این اشکال هم مثل دو اشکال قبلی از طرف محقق اصفهانی ایراد شده، ایشان می فرماید: بر فرض بپذیریم اتحاد وجودی و خارجی امر بسیط با افرادش امکان دارد و ثبوتاً مانعی از این مطلب نباشد اما عمده این است که به حسب مقام اثبات مشکل وجود دارد، یعنی بر فرض اتحاد وجودی امر بسیط با افرادش در خارج به حسب مقام ثبوت مشکلی نداشت و معقول بود به این معنی نیست که اثباتاً و در مقام تحقق هم مشکلی نداشته باشد. طبق نظر محقق خراسانی ما می خواهیم این جامع را از آثاری که بر افرادش مترتب می شود کشف کنیم، ایشان فرمود: وحدت اثری که مترتب بر افراد است کاشف از وحدت مؤثر است، افراد نماز همه در نهی از فحشاء و منکر مشترکند و این اثر در همه نمازهای صحیح وجود دارد لذا ما از این اثر واحد به مؤثر واحد پی می بریم و می گوئیم یک امر مشترکی در همه نمازها وجود دارد که موجب چنین حالتی می شود که انسان را از فحشاء و منکر باز می دارد و این کاشف از مؤثر واحد است.

حال باید ببینیم آیا می توان از وحدت اثر که محقق خراسانی به آن اشاره کرده وحدت مؤثر را کشف کرد؟

قاعده کاشفیت وحدت اثر از وحدت مؤثر در جایی است که وحدت، وحدت ذاتی و حقیقی باشد (اعم از اثر شخصی یا نوعی) اما اگر وحدت اثر وحدت حقیقی و ذاتی نباشد بلکه یک وحدت عنوانی باشد مثل ما نحن فیه در این صورت کاشف از وحدت مؤثر نخواهد بود. وحدتی که در ما نحن فیه ذکر شده وحدت عنوانی است؛ مثلاً نهی از فحشاء و منکر در همه نمازهای صحیح وجود دارد لکن این وحدت عنوانی است یعنی در همه این نمازها چیزی وجود دارد که موجب نهی از فحشاء و منکر است، نهی از فحشاء و منکر در واقع یک عنوانی است برای امور مختلف و یک اثر واحد حقیقی و ذاتی برای نماز نیست؛ چون فحشاء و منکری که نماز موجب نفی آن می شود افراد و انحاء مختلفی دارد؛ تارةً زنا، سرقت، قتل، دروغ و امثال آن به عنوان فحشاء لحاظ می شوند و این امور هستند که حقیقۀ اثر نماز صحیح محسوب می شوند و کسی که نماز صحیح بخواند قهراً گناه و معصیت نمی کند، شراب نمی خورد، زنا نمی کند و اهل صداقت، امانت و وفای به عهد است، حال اگر ما همه این امور را تحت عنوان نهی از فحشاء و منکر جمع کردیم این در واقع یک عنوان است اما وحدت ذاتی و حقیقی

۱. نهاية الدراية، ج ۱، ص ۹۹.

اثر محسوب نمی‌شود لذا وحدت عنوانی اثر کاشف از وحدت مؤثر نیست بلکه آن وحدت اثری کاشف از وحدت مؤثر است که ذاتی و حقیقی باشد.<sup>۱</sup>

پس اشکال چهارم این است که وحدت حقیقی اثر کاشف از وحدت مؤثر است اما وحدتی که در ما نحن فیه وجود دارد وحدت عنوانی است و این وحدت کاشف از وحدت مؤثر نیست؛ چون در ما نحن فیه آثاری که برای نماز وجود دارد حقایق مختلف و متباین هستند که تحت یک عنوان واحد قرار گرفته‌اند لذا وحدتی که بین این آثار وجود دارد وحدت عنوانی است و وحدت عنوانی اثر نمی‌تواند کاشف از وحدت مؤثر باشد.

#### **اشکال پنجم:**

بر فرض تنزل کنیم و بگوییم وحدت عنوانی اثر هم کافی است برای اینکه کاشف از وحدت مؤثر باشد و نیازی نیست که حتماً وحدت حقیقی داشته باشد مشکلی که وجود دارد این است که اثری که در اینجا وجود دارد واحد نیست تا گفته شود وحدت عنوانی یا حقیقی وجود دارد، خداوند تبارک و تعالی غیر از نهی از فحشاء و منکر، معراجیت مؤمن، قربان کل تقی و امثال آن را هم به عنوان آثاری ذکر کرده که بر نماز صحیح مترتب می‌شود لذا وحدت عنوانی هم در اینجا تحقق ندارد چون یک اثر و یک عنوان برای نماز ذکر نشده بلکه چندین اثر و عنوان ذکر شده است لذا به نظر می‌رسد این اشکال هم بر وجه اول تصویر جامع که از طرف محقق خراسانی ذکر شده وارد باشد.

#### **اشکال ششم:**

هر چه که به عنوان جامع برای صحیح فرض شود فرض آن به عنوان جامع برای اعم هم ممکن است، شما می‌گویید آن جامع در افراد صحیح از نماز یک امر بسیط مقولی است که با افراد خودش خارجاً و وجوداً متحد است، عرض می‌کنیم این جامع علی القول بالاعم هم قابل تصویر است، یعنی این گونه نیست که فرض جامع به عنوان یک امر بسیط مقولی فقط طبق قول صحیحی قابل تصویر باشد بلکه همین جامع طبق قول اعمی هم قابل تصویر است؛ چون جامع طبق این تصویر که محقق خراسانی ارائه کرده با افرادی که دارای اجزاء هستند متحد است پس در واقع این جامع با ذات اجزاء اتحاد دارد، کاری نداریم عامل به این عمل و فاعل این فعل و شخصی که تکلیف از او صادر می‌شود چه کسی است، چون این که فاعل عمل چه کسی باشد امری اعتباری است و جهت صدور فعل از فاعل اهمیتی ندارد، چون این جهت و حیثیت اعتباری در امر بسیطی که به عنوان جامع مقولی فرض شد تأثیری ندارد.

پس فرض اینکه جامع یک امری است که ما نمی‌دانیم چیست و به وسیله آثاری که بر عمل مترتب می‌شود شناخته می‌شود علی القول بالاعم هم قابل تصویر است؛ زیرا فرض این است که این جامع بسیط یک امر مقولی و ماهوی است یعنی ذاتی است نه اعتباری، یک حقیقتی در نماز وجود دارد و مهم نیست که چه کسی این نماز را اتیان کند، یعنی شخص فاعل و مکلف تأثیری در آن ندارد، هر چه هست خود عمل است که این آثار بر آن مترتب می‌شود، پس ذات عمل است که دارای

---

۱. همان.

خصوصیتی است که با افرادش اتحاد وجودی دارد و این آثار را به دنبال دارد و مکلف و فاعل آن عمل نقشی در این جهت ندارد، پس وقتی ذات و حقیقت عمل منشأ اثر است فرقی نمی‌کند که این عمل را چه کسی انجام می‌دهد. لذا اگر یک شخصی که صلاحیت ندارد هم این عمل را انجام دهد باز هم این اثر بر فعل او مترتب می‌شود و نقش او به عنوان فاعل تأثیر در ترتب و عدم ترتب اثر ندارد، لذا این جامع علی القول بالاعم هم قابل تصویر است و این خلاف فرض است، چون محقق خراسانی می‌خواست جامع را فقط علی القول بالصحیح تصویر کند در حالی که علی القول بالاعم هم قابل تصویر است.

**بحث جلسه آینده:** بقیه اشکالات وارد بر وجه اول (نظر محقق خراسانی در تصویر جامع) را ان شاء الله در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»